

روزنامه اجتماعی، فرهنگی،سیاسی،اقتصادی

سازو ز هجرت پیامبر (ص) و مبدأ تاریخ هجری گرامی باد

یکشنبه ۲۲ دی ۱۳۹۱ | سال هشتم | شماره ۹۳۸

اول ربیع الاول ۱۴۳۳ | قیمت: ۳۰۰۰ ریال | ۸ صفحه

Sunday | Vol.8 | No.948 | 3000 Rls

13-January, 2013 | ISSN:2008-2886

مزایه مناقصه

نگاه سازمان تجارت جهانی

(WTO) به شرق

ظهور دهکده جهانی مک لوهان که به دهه ششم از سده بیستم میلادی برمی گردد و ابتدا همچون هاله‌ای از خیالی کمرنگ به نظر می‌رسید، اکنون واقعیتی انکار ناپذیر شده است. واقعیتی که روز به روز شتاب تندتری به خود می‌گیرد، شتابی...

صفحه ۳

استنشاق هوای آلوده

باطعم‌بنزین استاندارد

صفحه ۸

راهی نیست

جز مذاکره با ایران

صفحه ۲

درآمدی بر تدوین شاخص ربا

در بانکداری اسلامی

اگر کار مزد بانک‌ها به‌صورت غیرمتعارف باشد، به گونه‌ای که عرف آن را اجرت عمل قرض دادن به حساب نیاورد، از نظر همه فقها اشکال دارد و اگر کارمزد واقعی باشد، اختلافی است و طبق نظر مشهور، جایز است.

الف) حبله عقد صوری: عقد صوری حبله‌ای است که در آن، از اسم عقود اسلامی سوءاستفاده، می‌شود و به جهت همین سوءاستفاده عنوان حبله را برای آن به کار می‌بریم. فعالیت‌های صوری در نسبت با مبحث ربا و یا سوء استفاده از اسم عقود اسلامی به دو گونه است:

صفحه ۷

بین الملل

تأثیر تنش در کشمیر بر دور نمای صلح میان دهلی‌نو – اسلام آباد



مدت زیادی از آخرین مذاکرات مقامات پاکستانی و هندی برای رفع تنش میان دو کشور نمی‌گذرد. داکراتی که بعد از سال‌ها امید برای ایجاد توافق میان دو کشور را تازه کرده بود. اما به نظر می‌رسد دست‌هایی در داخل دو کشور برای به نتیجه نر رسیدن این مذاکرات

فعال هستند. آخرین اقدام مخالفان به نتیجه رسیدن مذاکرات سیاسی، ایجاد درگیری مرزی در منطقه کشمیر بوده است. دیپلماسی ایرانی ابعاد این مسأله را در گفت‌وگو با پیرمحمد ملازهی، تحلیل گر مسایل شبه قاره بررسی کرده است:

درگیری اخیر میان هند و پاکستان که در آن هر دو طرف یکدیگر را به کشتار نظامیان یکدیگر متهم کرده‌اند، از چه مسأله‌ای ناشی می‌شود؟
پاکستانی‌ها ادعا می‌کنند که اول نیروهای هندی، یک پاسگاه مرزی را مورد حمله قرار داده‌اند و بعد نیروهای پاکستانی پاسخ داده‌اند. از طرف دیگر هندی‌ها معتقدند که نیروهای پاکستان مناطقی از مرز آن‌ها را گلوله باران کرده‌اند و آن‌ها نسبت به این مسأله واکنش نشان داده‌اند. اما حقیقت این است که چون نیروی مستقلی در منطقه حضور ندارد، قضاوت درباره این که چه کسی آغاز گر این درگیری بوده است، بسیار سخت است. اما اصل قضیه به اختلافی بر می‌گردد که میان هند و پاکستان وجود دارد. این اختلاف به نحوه تقسیم منطقه کشمیر مربوط می‌شود. در سال ۱۹۴۸، که اولین جنگ میان هند و پاکستان رخ داد و منجر به مداخله سازمان ملل در برقراری آتش‌بس و ایجاد خط حائل شد، به گونه‌ای کشمیر تقسیم شد که تقریباً دو سوم این منطقه در اختیار هند قرار گرفت و یک سوم آن در اختیار پاکستان. اما هر دو کشور نسبت به این تقسیم اعتراض داشتند و این تقسیم را نپذیرفتند. پاکستان معتقد است براساس توافقی که رهبران در زمان استقلال ۱۹۴۷ داشته‌اند، تمام مناطقی که اکثریت مردم آن مسلمان هستند باید به پاکستان بپیوندند و مناطقی که اکثریت مردم در آن هندی یا غیرمسلمان بودند به هند تعلق می‌گرفتند. اکثریت مردم کشمیر مسلمان هستند اما مشکلی ایجاد شد و آن هم این که اگر چه اکثریت منطقه مسلمان بود اما حکومت در دست خاندان سینگ بود که سبک مذهب بود.

در شرایط کنونی چه اتفاقی باعث شده است که این اختلافات کهنه، دوباره مطرح شود؟

به نظر می‌رسد مسایل داخلی این دو کشور تا حد زیادی در این مسأله تأثیر گذار بوده است. دولت‌های دو کشور با توسل به این اتفاق افکار عمومی را متوجه مسایل مرزی می‌کنند و آنچه در داخل کشور می‌گذرد را تحت الشعاع قرار می‌دهند. به همین دلیل هم پاکستانی‌ها از نظر تبلیغاتی در این زمینه فعال هستند و هم هندی‌ها. در حالی که در گذشته چنین موضوعاتی، این قدر مورد توجه تبلیغاتی قرار نمی‌گرفت. هندی‌ها هم احساس کرده‌اند که می‌توانند از فرصت پیش آمده بهره‌برداری کنند و در جهت پوشش دادن به مسایل داخلی از آن استفاده کنند. به‌هر حال هر دو کشور سعی در برجسته‌سازی این مسأله دارند و اهداف سیاسی داخلی در این برجسته‌سازی بیش تر تأثیر گذار است تا بحران جدی در منطقه کشمیر.

طالبان تهدید کرده که به کشمیر نیرو اعزام می‌کند. انگیزه اعلام‌این خبر چیست؟
تحریک طالبان عمدتاً پشتو زبان هستند و از قوم پشتون هستند. اگر سابقه جنگ کشمیر را مورد توجه قرار دهیم می‌بینیم که اول عشایر پشتون بودند که به منطقه کشمیر حمله کردند و بعد ارتش پاکستان وارد عمل شد. بنابراین از نظر تاریخی قبایل پشتون نزدیکی‌هایی را با منطقه کشمیر دارند و بعضی از شعبات طایفه‌های پشتون، در کشمیر زندگی می‌کنند. انگیزه قومی و مذهبی برای این‌ها بسیار مهم است.

در بیانیه وزارت دفاع هند آمده است که اقدام پاکستان منجر به خدشه‌دار شدن روابط هند و پاکستان می‌شود. پیش از این وضعیت روابط دو کشور چگونه بوده است؟

چند دور مذاکره میان مقامات دو کشور صورت گرفته است. قائم‌مقام‌های وزارت خارجه دو کشور دیدارهایی داشته‌اند و تلاش بر این بوده است که مناسبات بهبود پیدا کند. اخیراً هم یک قرارداد مرزی امضا کردند که شرایط را برای مسافرت شهروندان به‌خصوص تاجران دو کشور تسهیل کرد. علاوه بر این دو کشور عضو مجمع ناربک هستند که در آن‌جا هم تلاش‌ها بر این مسأله متمرکز است که کشورهای عضو، اختلافات فیمابین را حل کنند.

دیپلماسی ایرانی نوشت:

که انقلاب ۲۵ ژانویه مصر آغاز شد، مسکو احساس نگرانی شدید نسبت به روابط دوستانه خود با نظام مبارک کرد. روابطی که از دوران پرزیدنت انور سادات، رئیس‌جمهوری اسبق مصر آغاز شده بود. البته این انقلاب همه جامعه جهانی را شوکه کرد، که روسیه نیز جزو آن بود، روسیه‌ای که روابط گسترده سیاسی و اقتصادی با مصر ایجاد کرده بود.

این روابط در سال‌های آخر دوران ریاست جمهوری حسنی مبارک شاهد رشد در خور توجهی بود به گونه‌ای که به روشنی مبادلات تجاری کالا میان دو طرف افزایش یافته بود و جهشی در خور توجه در میزان گردشگران روسی که به مصر می‌آمدند به وجود آمده بود، تا آن‌جا که شمار گردشگران روسی‌ای که به مصر می‌رفتند تا سال ۲۰۱۰ به رقم دو میلیون گردشگر رسیده بود.

در عین حال مسکو توانسته بود دروازه‌های بازار مصر را برای سرمایه‌گذاران روسی به‌رغم محدودیت‌هایی که برای سرمایه‌گذاری‌های روسیه در خارج از کشور وجود داشت،

بدین ترتیب که مناطق صنعتی مهمی توسط بخش خصوصی روسیه در مصر احداث شده بود و همکاری‌های دو طرف در بخش انرژی و سلاح پیش‌بینی گسترش یافته بود.

بر کسی پوشیده نیست که مصر یکی از درجه‌های مهم برای روسیه که سال‌ها به دلیل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از عرصه سیاسی بین‌المللی دور بود، برای بازگشت به خاورمیانه و منطقه عربی محسوب می‌شد.

برای همین مسکو تا آخرین لحظه از حسنی مبارک، رئیس‌جمهوری مخلوع مصر حمایت «همنوی» می‌کرد. در آن موقع وزارت امور خارجه روسیه دائماً بیانیه صادر می‌کرد و بر حفظ ثبات در مصر تأکید داشت،

هم‌چنین هر گونه فشار خارجی بر مبارک را رد می‌کرد و بر دور شدن از خشونت و ضرورت گفت‌وگو میان دو طرف بحران تأکید می‌کرد.

دمتری مدودوف، رئیس‌جمهوری سابق روسیه درباره انقلاب مصر اظهار نظر کرد که بسیار خطرناک است که وحدت کشوری صاحب استقلال و بر جمعیتی مثل مصر مورد تهدید قرار بگیرد و نسبت به احتمال تجزیه این کشور و تبدیل شدن به کشورهای کوچک و رسیدن جریان‌های تندرو به قدرت هشدار می‌داد.

از سوی دیگر ولادیمیر پوتین نیز نسبت به احتمال رسیدن اسلام گرایان تندرو به قدرت هشدار می‌داد و می‌گفت در صورت تصاحب قدرت توسط آن‌ها این وضعیت تأثیری مستقیم بر شمال روسیه و قفقاز می‌گذارد.

حتی به همین منظور روسیه الکساندر سلطانوف را به

عنوان نماینده ویژه رئیس‌جمهوری روسیه، دو روز قبل از سقوط مبارک به قاهره فرستاد.

وی حامل پیامی از سوی رهبران روسیه به پرزیدنت مبارک بود که در آن تصریح شده بود که «مصر هم پیمانی استراتژیک برای روسیه است و باید از بحران پیش‌آمده از طریق اتخاذ تصمیم‌های کارساز، در رأس آن‌ها گفت و گو، به سلامت خارج شود».

مسکو تصور می‌کرد که امکان حل بحران در مصر از طریق انجام برخی از اصلاحات از سوی مبارک وجود دارد، در حالی که رهبران روسیه داره که به‌رغم این که به هیچ‌وجه راضی نیستند که اسلام گرایان در این کشور به قدرت برسند اما به نوعی پذیرفته‌اند که با رهبران اسلام گرای جدید مصر علی‌رغم میل باطنی خود همکاری سیاسی و رسانه‌ای روس‌ها در برابر حوادث جاری در مصر و فعالیت‌های خارجی آن‌ها به قدرت برسد اما به نوعی

پس از کناره‌گیری مبارک از قدرت به نفع شورای نظامی تحت فشار افکار عمومی، روسیه در محاسبات خود تجدیدنظر کرد،

این که به هیچ‌وجه راضی نیستند که اسلام گرایان در این کشور به قدرت برسند اما به نوعی پذیرفته‌اند که با رهبران اسلام گرای جدید مصر علی‌رغم میل باطنی خود همکاری

رسانه‌های روسیه تحولات به وجود آمده در مصر و دیگر کشورهای عربی را هم پیمانی اسلامی – غربی برای رویارویی با روسیه و مصالح آن توصیف کرده‌اند. حتی ولادیمیر گیرینوفسکی، رهبر حزب لیبرال دموکرات روسیه، وابسته به کرملین صعود اخوان‌المسلمین به قدرت در مصر را یکی از انتخاب‌های ایالات متحده آمریکا دانست.

این در حالی است که اخوان‌المسلمین همچنان در فهرست جریان‌های تروریستی در روسیه قرار دارد و این مسأله برای همین می‌بینیم که الکساندر ایگناتینکو، کارشناس



پیامدهای اجرای

فاز دوم هدفمندی در شرایط فعلی

صفحه ۲



دوستی مصلحتی باقاهره

روسیه از اخوان المسلمین دل خوشی ندارد

باعث شده تا دیپلمات‌های روسی از دیدار با مسؤولان حزب آزادی و عدالت، وابسته به جریان اخوان المسلمین در دورانی که شورای نظامی در مصر قدرت را در اختیار داشت، منع شوند.

کما این‌که مسکو از پیروزی محمد مرسی در انتخابات ریاست‌جمهوری در تابستان گذشته با محافظه کاری استقبال کرد. اگر چه ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه از نخستین کسانی بود که پیروزی مرسی را به وی تبریک گفت. یوگنی پریماکوف، سیاستمدار روسی درباره این ششیه تبریک روس‌ها به مرسی گفت: «این یک وظیفه رسمی نیست، بلکه این معنا را می‌دهد که روسیه تمایل دارد روابطی سازنده با رهبران جدید مصر داشته باشد. با این هدف که روابط میان دو کشور گسترش یابد و صلح و ثبات بر خاورمیانه مسلط شود.»

درباره همه پرسشی نیز مسکو از طریق وزارت خارجه‌اش سه گفتن این‌که امیدوار است این همه پرسشی باعث تقویت وحدت و ثبات جامعه مصر شود، اکتفا کرد. البته

روس‌ها بعداً روابط خود را با دولت جدید مصر گسترش دادند و با سفر سرگئی لاوروف به قاهره به نوامبر ۲۰۱۲ که برای نخستین بار پس از به قدرت رسیدن رئیس‌جمهوری اخوان مصر صورت می‌گرفت، نشان دادند که مایل هستند تماسی مستقیم با مقام‌های جدید مصر داشته باشند. آنچه در رسانه‌ها آمده این است که وزیر امور خارجه روسیه از رئیس‌جمهوری مصر دعوت کرد که در سال جدید، یعنی سال ۲۰۱۳ سفری رسمی به روسیه داشته باشد. ظاهراً مسکو هیچ تناقضی میان این دعوت با باقی ماندن جنبش اخوان‌المسلمین در فهرست جریان‌های تروریستی خود نمی‌بیند. نگرش پراگماتیک عمیق نزد رهبران روسیه دارد که به‌رغم این که به هیچ‌وجه راضی نیستند که اسلام گرایان در این کشور به قدرت برسند اما به نوعی پذیرفته‌اند که با رهبران اسلام گرای جدید مصر علی‌رغم میل باطنی خود همکاری کنند. شاید مسکو تحولات جاری مصر را به خوبی خوانده است و به این نتیجه رسیده که چاره‌ای جز کنار آمدن با وضعیت جدید برای حفظ مصالحش ندارد. اگر بپذیریم که روسیه چنین سیاست پراگماتیکی را پذیرفته است پس باید مسکو این حقیقت را نیز بپذیرد که ممکن است صعود اسلام گرایان به قدرت به صعود اسلام گرایان در شمال قفقاز و تأثیر آن‌ها بر مسلمانان روسیه و کشورهای هم‌جوار آن در جمهوری‌های آسیای میانه نیز تأثیر بگذارد. اگر غیر از این باشد ما نباید تنش در روابط مسکو – قاهره را در آینده‌ای نزدیک در پی قدرت گرفتن هرچه بیش‌تر اسلام سیاسی در دیگر کشورهای عربی بعید بدانیم.

منبع: السفير

شفاف‌سازی **مناقضات**: نیاز اساسی حمایت از سرمایه و کار ایرانی

مناقضه مزبیه

نظرگاه

راهی نیست جز مذاکره با ایران



شاید توصیف بهتر برای منطقه‌ای که از جنگ‌های نرم رنج می‌برد، این باشد که بگویم خاورمیانه در ابعاد مختلف از بلاد شام و عراق در غرب گرفته تا ایران و افغانستان و پاکستان در شرق همگی آستانِ حادثه‌اند. همه ناظران، حتی منجمان، بر این اعتقادند که سال ۲۰۱۳ چندان بهتر از سالی که گذشت نخواهد بود، شاید حتی بدتر از آن سال برای خاورمیانه باشد.

شاید توصیف بهتر برای منطقه‌ای که از جنگ‌های نرم رنج می‌برد، این باشد که بگویم خاورمیانه در ابعاد مختلف از بلاد شام و عراق در غرب گرفته تا ایران و افغانستان و پاکستان در شرق همگی آستانِ حادثه‌اند. در جنگ نرم، در صورتی که کمی اوضاع متشنج شود اوضاع به سرعت به جنگ سخت منتهی می‌شود، به این ترتیب که:

در فلسطین، مقاومت مدنی در برابر اسرائیل در کرانه باختری جای خود را به جنگی سخت در غزه با حملات موشکی حماس به اسرائیل و بالعکس داد. مقاومت این روزها ساکن و آرام است اما هیچ بعید نیست که در آینده به یک مقاومت مردمی تبدیل شود.

در لبنان، جنگ اهالی سیاست روز به روز بیش تر رنگ و بوی طایفهای و مذهبی می گیرد و بر خوردهای مسلحانه و امنیتی دامنا از جایی به جای دیگر منتقل می‌شود، این وضعیت می تواند گسترش یابد و همه ارکان سیاسی کشور را در بر بگیرد، بهانه آن نیز وجود دار، قانون انتخابات که می تواند به یک معضل جدید تبدیل شود، کما این که مشکل اقتصادی به قوت خود باقی است.

در سوریه، جنگ نرم به سرعت می‌رود تا تنش موجود در این کشور را به همه استان‌های سوریه تسری دهد، این وضعیت می تواند ده‌ها هزار کشته و زخمی بر جای بگذارد و سیل پناهنده‌گان را به کشورهای همسایه موجب شود، هم چنین زیربناها و مناطق مسکونی این کشور را به کلی ویران کند و حیات اقتصادی کشور را کاملاً متوقف کند.

در اردن، هر چه به موعده انتخابات نزدیک می‌شویم، تنش‌های سیاسی و امنیتی نیز سرعت بیشتری به خود می‌گیرند، در این میان جریان‌های سیاسی به‌خصوص جوامع اخوان المسلمین و شاخه فلسطینی آن، جنبش حماس می‌توانند وضعیت را به کلی تغییر داده و حتی شوکی به پیمان مقاومت و ممانعت مسورد حمایت ایران وارد کند.

در عراق، جنگ نرمی میان شیعه و سنی در جریان است، این جنگ که نهایت دو هدف را دنبال می‌کند: سرنگونی دولت مالکی که عامل اصلی نفوذ تهران در بغداد محسوب می‌شود و تقویت خودمختاری اقلیم کردستان در عراق که هم پیمان دولت اردوغان به حساب می‌آید و تبدیل به عامل نفوذ ترکیه و مصالح اقتصادی آن در عراق شده است.

در بحرین، تنش‌های سیاسی همچنان به قوت خود باقی است، همه نشانه‌ها حاکی از آن است که این تنش‌ها در نهایت به رویارویی ایران با آمریکا از یک سو و ایران با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس از سوی دیگر منتهی خواهد شد.

در یمن، جنگ نرم همچنان وجود دارد و آمریکا هم پیمانان منطقه‌ای‌اش را در برابر جریان‌های مسلح داخلی از جمله شبکه القاعده قرار داده است.

در ایران، گفته می‌شود که جنگ نرم از ابتدای سال ۱۹۷۹ و پیروزی انقلاب اسلامی در آن در اشکال مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی وجود داشته است. در سال جنگ شیعه و سنی به معنای واقعی کلمه وجود ندارد اما تلاش بسیاری می‌شود تا سوریه هم پیمان ایران از دایره محادثات خارج شود.

در افغانستان، جنگ نرم همچنان ادامه دارد و حتی می‌توان گفت به اوج رسیده است. دیگر روشن است که ایالات متحده آمریکا هم پیمانش تلاش می‌کنند تا به یک تسویه حساب جدی بین دولت کرزی با جنبش طالبان قبل از خروشان از این کشور در اوایل سال ۲۰۱۴ برآیند. در پاکستان، جنگ نرم موجود میان نیروهای سیاسی با اسلام گرایان «جهادی» تبدیل به درگیری آن‌ها علیه ایالات متحده شده است. در این جریان‌های سیاسی مورد حمایت ارتش پاکستان نیز برای مواجهه با هندیش از پیش تحریک می‌شوند از آن طرف مانع یافتن راه حلی برای افغانستان نیز هستند.

در این جنگ نرم برای مصر و هم‌چنین سوریه و در عین حال آمریکا، اسرائیل، ایران و روسیه اهداف و مصالح خاصی در تحول دارد که سبب می‌شود هر کدام از آن‌ها به هر ترتیبی و در تحول تاریک منطقه نقش آفرینی کنند.

امریکا دو هدف اصلی را دنبال می‌کند: اول پشتیبانی از مصالح نفتی اش و امنیت اسرائیل و دوم جلوگیری از قدرت گرفتن ایران و تبدیل شدنش به یک قدرت منطقه‌ای از طریق ضمن تقویت جریان مقاومت عربی و اسلامی از یک سو، محور سیاسی و نظامی جدیدی را در منطقه از سوی دیگر ایجاد کند. برای همین است که اسرائیل به توسعه شهرک سازی ادامه می‌دهد و فلسطینی‌ها را بیش از هر زمانی به اردن می‌راند تا این کشور را به عنوان میهن اصلی خود بدین‌برند.

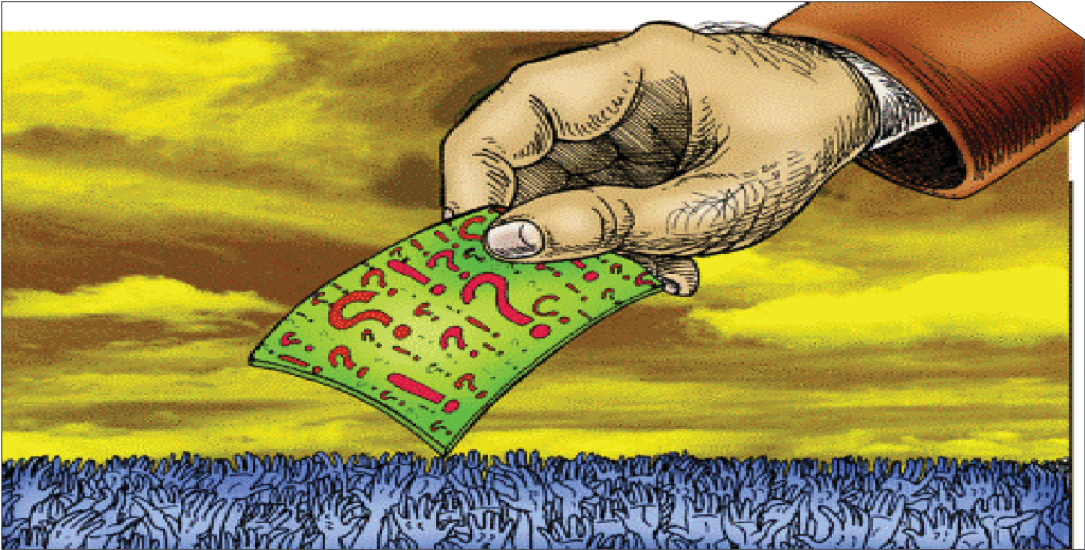
در این میان روسیه از سیاست‌های ایران حمایت می‌کند از طریق حمایت از تهران و دمشق به مصالح خود در برابر آمریکا و غرب در یک چارچوب کلی فکر می‌کند. به همین دلیل پیش‌بینی می‌شود در آینده نزدیک پیمانی با محوریت ایران و روسیه در منطقه و جهان به وجودآید.

منبع: سایت دیپلماسی



رامین شاهیramin.a.shahi@gmail.com

پیامدهای اجرای فاز دوم هدفمندی در شرایط فعلی



اشاره – آیا باید فاز دوم هدفمندی اجرا شود؟ عملکرد فاز اول چگونه بود؟ چه کسانی بیش ترین سود را از اجرای فاز دوم هدفمندی در این مقطع زمانی می‌برند؟ آیا دولت دهم می‌تواند ۶ ماه مانده به پایان عمر خود، فاز دوم هدفمندی را اجرایی کند؟

دکتر جحت قندی، از اقتصاددانان جوان و موفق ایرانی مقیم آمریکا و استاد اقتصاد دانشگاه «واشنگتن اندلی» است. وی پس از دریافت مدرک کارشناسی مهندسی برق از دانشگاه امیر کبیر، با توجه به علاقه‌مندی به رشته اقتصاد به تحصیل در این رشته پرداخت و مدرک کارشناسی ارشد اقتصاد را از «مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه» دریافت نمود. سپس برای ادامه تحصیل عازم آمریکا شد و دکترای اقتصاد خود را در دانشگاه ویرجینیاتک به پایان رساند. «دکتر جحت قندی» در گفت‌وگو با «رهان»، تأکید می‌کند که وجود تصمیم‌های اقتصادی سیاست‌زده، از موانع مهم رونق اقتصادی کشور محسوب شده و لازم است در این زمینه چاره‌جویی مناسبی صورت گیرد.

از طرف دیگر وی با تأکید بر این که شرایط فعلی اقتصاد ایران یک «شرایط ویژه» محسوب می‌شود، در عین حال اعتقاد دارد که رعایت اصول تئوریک اقتصاد در مدیریت کشور نباید تحت عناوین «شرایط ویژه» مورد تردید قرار گیرد. به عقیده این اقتصاددان جوان و خوشنام ایرانی، اگرچه سیاست‌گذاری منطقه‌ی و مدبرانه اقتصادی بخش مهمی از راه برزفت از این «وضعیت ویژه» را تشکیل می‌دهد، اما این سیاست‌های اقتصادی منطقی باید در رابطه‌ای تنگاتنگ با سیاست‌های دیپلماتیک هوشمندانه قرار گیرد تا تلفیق تصمیم‌های هوشمندانه اقتصادی و سیاسی، بتواند به عبور کم‌خطر از گذرگاه حساس کنونی منجر شود.

نظر شما در مورد زمان اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها چیست؟ تا چه حد فاز اول را موفقیت آمیز می‌دانید؟

اگر یک سیاست قیمت‌گذاری مشخص را بر مبنای قیمت‌های بین‌المللی طراحی کنیم، دیگر اصطلاح «فاز اول» یا «فاز دوم» مطرح هدفمندی، کارسرد چندی نخواهند داشت. اما در مورد میزان موفقیت فاز اول، باید توجه کنیم که برنامه هدفمندی یارانه‌ها، طرحی بود که کلیت آن از منظر تئوری و علم اقتصاد، هم «منطقی» و هم «پیش‌رونده» بود. هر چند در نحوه اجرا انتقادهایی به آن وارد بوده و مدیریت مناسبی در اجرا صورت نگرفته است.

توجه به این نکته لازم است که در کوتاه مدت، سیاست‌های اصلاح قیمت اثرات خود را نشان نمی‌دهد. در کوتاه مدت، این اثرات

منفی سیاست‌های اصلاح قیمتی هستند که بیش تر بروز می‌یابند و به نوعی همگان را دل‌سرد می‌کنند. اما نتایج مفید آن در یک فرآیند بلند مدت خود را نشان می‌دهد.

نکته مهم در مورد آثار تورمی فاز اول هدفمندی یارانه‌ها، این است که بخشی از تورم موجود در یک سال اخیر، ناشی از مسایلی مانند تحریم و نیز شوک ایجاد شده در بازار ارز است که این دو مورد ناشی از طرح هدفمندی نبوده، به عبارت دیگر، شوک‌های متعدد دیگری با منشأ غیر از برنامه هدفمندی مدام به اقتصاد وارد شده که در نتیجه نمی‌توان به دقت میزان اثر تورمی فاز اول طرح هدفمندی آن را ارزیابی نمود.

چه بسا که اگر شوک‌های ناشی از تحریم‌ها وجود نمی‌داشت، می‌توانستیم بعضی اثرات مثبت هدفمندی یارانه‌ها را در همین فاز اول مشاهده کنیم. به‌هرحال چیزی که می‌شود به عنوان نتیجه مشخص فاز اول عنوان کرد این است که طبقه خیلی محروم جامعه، به دلیل نوع تابع مصرفی خود و اندازه سبد مصرفی از کالاهای مشمول یارانه، از این سیاست نف‌برده و وضعیت این‌ها بهتری پیدا کرده‌اند و طبقات بالای درآمدی نیز دچار کاهش رفاه شده‌اند. با پایان فاز اول اجرای هدفمندی یارانه، طبیعتاً شعور فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها اجتناب‌ناپذیر است. مسأله‌ای که وجود دارد این است که در شرایط

فعلی کشور با تحریم‌های نامصلحانه‌ای از بخش مالی گرفته تا فروش نفت خام مواجه شده، چشم‌انداز اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها، چشمانداز اجرایی فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها، بستگی به رویکرد دولت دارد. ظاهراً دولت ۱۰ ستارو برای فاز دوم در نظر دارد، یکی این فقط برای خرید یارانه‌های نقدی را افزایش دهد و تغییر در قیمت‌ها صورت ندهد، و دیگری این که پرداخت یارانه نقدی را با افزایش قیمت‌ها متناسب کند. اگر دولت پرداختی‌های یارانه‌ای را دقیقاً متناسب با افزایش درآمدها حاصل از تغییر قیمت‌ها افزایش دهد، نتیجه خوبی را در بلند مدت به‌دست خواهد داد، هر چند که شرایط تورمی به دلیل ادامه سیاست هدفمندی و نیز شرایط تحریمی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. اما اگر دولت بخواهد یارانه‌های نقدی پرداختی را افزایش دهد و قیمت‌ها را ثابت نگه دارد و این اضافه پرداختی را از راهی خارج از درآمدها حاصل از تغییر قیمت‌ها مثلاً از راه «استقراض از

بانک مرکزی» تأمین کند، اولین نتیجه آن، تشدید شرایط تورمی و نیز انحراف از اهداف این طرح خواهد بود که شرایط اقتصادی بافرنجی را فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که اجرای فاز دوم به‌صورت افزایش پرداخت یارانه نقدی بدون افزایش در قیمت حامل‌های انرژی، به نوعی یک رفتار سیاسی-انتخابی است که هیچ پشتوانه علمی-اقتصادی ندارد. البته چون به‌دوران انتخابات نزدیک می‌شویم، برسر رفتارهای این چنینی غیرقابل پیش‌بینی نخواهد بود. هر چند که این رفتارها هیچ توجیه اقتصادی ندارد اما کاربردهای انتخابی آن قابل توجه است؛

سیاست‌هایی که کم یا زیاد، در تمامی کشورها از توسعه یافته تا در حال توسعه،

در دوران رقابت‌های انتخاباتی مورد توجه سیاستمداران قرار می‌گیرد.

در ابتدای اجرای فاز اول یارانه‌ها و هم‌چنین فاز دوم، قیمت‌های انرژی باید مشخص می‌شد. در تعیین این قیمت‌ها همواره بین دولت و مجلس اختلاف نظر بوده است. عده‌ای اعتقاد دارند این اختلاف نظر را به چه دوران انتخابات نزدیک‌تر می‌شویم، شدیدتر می‌شود و به نوعی دو طرف‌بر نظر خود پافشاری بیش‌تری می‌کنند. به نظر شما تا چه حد در اقتصاد ایران رفتارهای این چنینی و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی سیاست‌زده شایع است؟

در تمام دنیا این چنین تصمیم‌های اقتصادی سیاست‌زده، شایع و اجتناب‌ناپذیر است، حالا ممکن است میزان و شدت چنین تصمیم‌هایی در کشورهای مختلف کم یا زیاد باشد. طبیعتاً گروه‌های سیاسی برای یک سر قدرت ماندن از تمامی ابزارهای در دسترس خود استفاده می‌کنند. مسأله مهمی که وجود دارد، این است که عمق و درجه استفاده گروه‌های سیاسی از ابزارهای این چنین، در کشورهای مختلف متفاوت است.

گروه‌های سیاسی باید در نظر داشته باشند که بازی‌های سیاسی مربوط به اقتصاد را در بخش‌هایی انجام دهند که به‌ساختار اقتصادی کشور لطمه وارد نکند. این اتفاق‌ها در ایالات متحده نیز شایع است. برای مثال حزب دموکرات سعی می‌کند امتیازاتی را در جهت منافع هوادانش کند و بعضی از تصمیمات که به نفع و تلاش خود را رسیدن به این مهم در دوران انتخابات تشدید خواهد کرد.

(منبع: برهان)

لاریجانی

تصویب بودجه چند دوازدهم به نفع کشور نیست

شد و کمیسیون مربوطه جلساتی را گذاشت و افرادی هم از سوی بنده مأمور پیگیری این موضوع شدند که روی هم رفته با شوق، این مشکل هم حل خواهد شد. وی گفت: قرار شد که به‌هائیتی هم برگزار شود تا از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری در این دو شهر بیش تر استفاده شود. وی ادامه داد: کشاورزی و دامپروری جزو اولویت‌های مجلس است لذا ما در این رابطه دو کار انجام داده‌ایم؛ یکی این‌که بعضی از تصمیمات که می‌توانست مزاحمت برای تولید ایجاد کند را اصلاح کردیم؛ در حال حاضر تولید یکی از دوره‌های سخت خود را می‌گذراند و هر اقدام اقتصادی که انجام می‌دهیم باید کمک کننده به تولید باشد و فرقی نمی‌کند که بخش صنعت یا کشاورزی باشد. رئیس مجلس اضافه کرد: برخی اقدامات ممکن است فی‌الجمله خوب باشد اما باید آن را در زمان خودش انجام داد. هر همین اساس مقرر شد این مسائل اصلاح شود. لاریجانی گفت: بعضی مسائل مثل موضوع قیمت گندم و شیر هست که ظاهراً مشکلاتی در رابطه با آنها وجود داشت. لذا کمیته‌هایی تشکیل بودجه جلو نمی‌رود.

بهارستان ۲

دیپلماتیک

مرکز پژوهش‌های مجلس اعلام کرد

اظهار نظر کارشناسی طرح اصلاح ماده (۱۴) آیین‌نامه معاملات شهرداری تهران



مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی اعلام کرد: قوانین مالی و معاملاتی شهرداری‌ها و نیز شهرداری پایتخت (که بعدها به آیین‌نامه معاملات شهرداری تهران موسوم شد و اکنون به تمامی مراکز استان و نیز شهرهای بالای یک میلیون نفر جمعیت تسری یافته است) دچار معضلات، کاستی‌ها، تناقضات، ناکارآمدی‌ها و کهنگی‌های متعددی است. به گزارش «منافسه‌مزایده»

به نقل از مرکز پژوهش‌های مجلس، اصلاحات دایمی جزئی‌نگر و گسسته در غیاب یک نگاه سیستمی جامع، نه تنها مشکلات و معضلات این مقررات را کاهش نداده است، بلکه بعضاً منجر به ایجاد مشکلات و معضلات جدید نیز شده است. عدم کفایت و تناسب اطلاع‌رسانی، یکی از نقایص آیین‌نامه معاملات شهرداری تهران است. در این آیین‌نامه، حداقل الزامات اطلاع‌رسانی در کنار روزنامه رسمی، عبارت است از انتشار یک فراخوان در یک روزنامه. این حکم در سال ۱۳۵۴ با آن میزان از روزنامه‌ها و آن سطح از فن آوری ارتباطات و اطلاعات شاید توجیه می‌داشت، اما امروزه با تعدد و تکثر انواع روزنامه‌های موجود، بسیار ناچیز و کاملاً ناکافی است.

ولی نگاه غیرسیستمی پیش‌گفته، منجر به آن شده است که در فرآیند اصلاح قوانین نصاب معاملات شهرداری‌ها در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸، فقط و فقط نصاب‌ها به‌روز شود و دیگر اجزای سیستم معاملات شهرداری‌ها در مناسبات دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ باقی بماند. (آیین‌نامه مالی شهرداری‌ها مصوب ۱۳۴۶ و آیین‌نامه معاملات شهرداری تهران مصوب ۱۳۵۴ است).

بررسی طرح

طرح اصلاح ماده (۱۴) آیین‌نامه معاملات شهرداری تهران به‌منظور اصلاح نحوه عمل کمیسیون موضوع همین ماده پیشنهاد شده است. متأسفانه در طرح مورد بررسی، ماده (۱۴) آیین‌نامه معاملات شهرداری تهران به‌صورت متفک مطرح شده است.

ماده مزبور مربوط به شرایطی است که پس از فراخوان مناقصات «در مدت مقرر پیشنهادی نرسیده باشد». البته وقتی با وجود این همه امکانات اطلاع‌رسانی جدید و تحولات ایجاد شده ظرف حدود ۴۰ سال (۱۳۵۴ که آیین‌نامه تدوین شده تا ۱۳۹۱) هنوز هم قید قانونی همان «یک روزنامه کثیرالانتشار» باشد، کاملاً مورد انتظار و بدیهی است. که از احتمال وقوع شرط ماده (۱۴) فوق‌العاده زیاد است. یعنی به‌علت عدم کفایت حداقل الزامات اطلاع‌رسانی «آیین‌نامه شهرداری تهران» و عدم تناسب حداقل الزامات ۴۰ سال قبل با امکانات امروزی، بسیار محتمل است که در بسیاری از معاملات یا مناقصات شهرداری‌ها با وجود رعایت حداقل الزامات قانونی باز هم در مدت مقرر پیشنهادی دریافت نشود.

این مخاطره وقتی بیش تر نمایان می‌شود که توجه کنیم: دستگاه‌های اجرایی مشمول «قانون برگزاری مناقصات» در حال حاضر اولاً حداقل دو بار آگهی، آن هم در یک یا دو روزنامه کثیرالانتشار منتشر می‌نمایند و ثانیاً مهلت آرایه پیشنهادها در قانون برگزاری مناقصات از آخرین مهلت تحویل اسناد محاسبه می‌شود. در حالی که در «آیین‌نامه معاملات شهرداری تهران» مهلت آرایه پیشنهاد از زمان انتشار در روزنامه رسمی است.

با احتساب فاصله احتمالی آگهی روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشار و ایام توزیع اسناد، عملاً حداقل فرصت تحویل پیشنهاد در آیین‌نامه شهرداری به آسانی می‌تواند یک‌دهم فرصت مهادل دستگاه‌های مشمول قانون مناقصات باشد. با این وضعیت احتمال وقوع شرایط ماده (۱۴) مورد اصلاح فوق‌العاده زیاد است.

ملاحظه می‌شود با آیین‌نامه کنونی شهرداری تهران، این مخاطره که به مهلت مقرر پیشنهادی نرسد (یعنی موضوع ماده (۱۴) آیین‌نامه و طرح اصلاحی در دست بررسی رخ دهد) فوق‌العاده بالاست. بنابراین رفع خطای ارجاع به ماده (۳۱)، نگاهی جزئی‌نگر، غیرسیستمی و پرمخاطره است که بدون مدیریت این مخاطره و کاهش احتمال وقوع مخاطره فقط موجب تسهیل و تسریع ترک تشریفات در این شرایط بسیار محتمل می‌شود.

علاوه بر مراتب فوق، باید توجه داشت که گذشته از این که ماده (۳۳) یکبار در سال ۱۳۶۲ اصلاح شده و مبلغ «۵ میلیون ریال» آن به «۱۰ میلیون ریال» افزایش یافته است، آنچه نیازمند عنایت بیش تر نمایندگان محترم مردم است، این است که در قانون «اصلاح» تسری آیین‌نامه معاملات شهرداری تهران، به شهرداری‌های مراکز استان‌ها، کلان‌شهرها و شهرهای بالای یک میلیون نفر جمعیت» (مصوب ۱۳۹۰/۲/۴) در عمل تقریباً تمامی اعتبارات شهرداری‌های کشور در ذیل همین متن مقرر، مبادله و معامله خواهد شد.

از نظر تحلیل شکلی طرح پیشنهادی و مستندات آن نیز باید توجه داشت در انتهای بند «۵» مقدمه توجیهی طرح آمده است «با مراجعه به سوابق تقنینی، ملاحظه شد که در نسخه‌های قانون مالیات بر ارزش افزوده (۳۱) درج شده است»، اما برای این بخش از مندرجات مقدمه توجیهی، هیچ سند یا مرجعی ارائه نشده است. در مجموع مورد مندرج در ماده (۳۱) اصولاً منقضای صورت نمی‌گیرد، لذا به نظر می‌رسد توجیه پیشنهاددهندگان طرح به شرط توجه به بقیه موارد فوق‌الذکر قابل قبول باشد و با یک پیشنهاد سیستمی و منطقی موضوع رفع شود.

جمع‌بندی و پیشنهاد

لزام است قبل از تسریع و تسهیل ترک تشریفات ناشی از ماده (۱۴) آیین‌نامه، سبیل بالقوه مصادیق آن را از طریق اصلاح مواد (۶) و (۱۱) «آیین‌نامه معاملات شهرداری پایتخت» مدیریت کرد. ضروری است با دقت و تأمل بیش تر، از این که احتمال وقوع شرایط به‌ظاهر ناگزیر ترک تشریفات مناقصه در این انبوه معاول شهرداری‌های مراکز استان و شهرهای بالای یک میلیون نفر در قاصی‌نظام کشور فقط به سلبه و دخواه مجریان مناقصات سپرده شود، جلوگیری کرد.

لذا پیشنهاد زیر به‌عنوان پیشنهادی سیستمی، منطقی، توأم با مدیریت مخاطرات و نیز شامل اصلاح درخواست شده در ماده (۱۴) آیین‌نامه است:

۱- در ماده (۶) آیین‌نامه معاملات شهرداری تهران، عبارت «دو تا ۳» جایگزین «یک تا ۳» و عبارت «یک یا چند روزنامه کثیرالانتشار شهر» جایگزین «یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران» می‌شود.

۲. در بند «یک» ماده (۱۱) آیین‌نامه «آخرین روز توزیع اسناد مناقصه» جایگزین عبارت «تاریخ انتشار در روزنامه رسمی کشور» می‌شود.

پاورقی

۱. ماده (۶) – آگهی مناقصه یک نوبت در روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی و از یک تا سه نوبت به اقتضای اهمیت معامله در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار پایتخت باید منتشر گردد.

تبصره «۱» – در مواردی که شهرداری پایتخت تشخیص دهد که انتشار آگهی در خارج از پایتخت ضرورت دارد می‌تواند علاوه‌بر نشر آگهی در پایتخت در شهرهایی که لازم بداند به نشر آگهی اقدام کند.

تبصره «۲» – در مواردی که شهرداری پایتخت تشخیص دهد می‌تواند از سایر وسایل و طرق انتشاراتی از قبیل پخش آگهی در رادیو و تلویزیون و با ارسال آگهی برای اشخاص مربوط باالصاق آگهی در معابر عمومی استفاده نماید.

تبصره «۳» – اگر به تشخیص شهرداری پایتخت موضوع معامله ایجاد کند که علاوه‌بر نشر آگهی در داخل کشور موضوع به اطلاع فروشنده‌گان کالا یا انجام‌دهندگان کار یا خدمت در خارج از کشور هم برسد یک نسخه از آگهی باید به‌وسیله وزارت امور خارجه به هریک از سفارتخانه‌های ممالک مربوط در تهران و یک نسخه هم به سفارتخانه‌های کشور شاهنشاهی ایران در ممالک مربوط از طریق وزارت مذکور فرستاده شود.

۲. بند «ب» ماده (۱۳) قانون برگزاری مناقصات: «فراخوان مناقصه عمومی باید به تشخیص مناقصه‌کار از دو تا سه نوبت حداقل در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار کشوری یا استان مربوط منتشر گردد».

۳. بند «ب» ماده (۱۵) قانون برگزاری مناقصات: «مهلت قبول پیشنهادها در مورد مناقصات داخلی و بین‌المللی از آخرین مهلت تحویل اسناد مناقصه به‌ترتیب نباید کم‌تر از ۱۰ روز و یک‌ماه باشد».

۴. بند «یک» ماده (۱۱۱) آیین‌نامه معاملات شهرداری تهران: «مدت قبول پیشنهادها در مورد آگهی‌هایی که در داخل کشور منتشر می‌شود از تاریخ انتشار در روزنامه رسمی کشور از ۱۰ روز نباید کم‌تر باشد و در مورد آگهی‌هایی که در خارج از کشور طبق تبصره «۳» ماده (۶) منتشر می‌شود از ۶۰ روز نباید کم‌تر تعیین شود»



چگونه می‌توان امنیت اندروید را بهبودبخشید؟



خطرات ناشی از تهدیدهای اینترنتی برای موبایل‌ها و تبلت‌های اندرویدی رو به افزایش است. این روزها برنامه‌هایی که با قصد تخریب و نفوذ نوشته می‌شوند، روز به روز گسترده‌تر می‌شوند. این تهدیدها بسیار سریع‌تر از دیگر برنامه‌ها رشد می‌کنند. آیا شما تمهیداتی برای مقابله با این تهدیدها اندیشیده‌اید؟ چگونه وسایل و دستگاه‌های خود را در برابر چنین تهدیداتی محافظت می‌کنید؟ درست همانند کامپیوترهای ویندوزی، تهدیدات موبایلی هم می‌توانند اطلاعات حساب مالی و کارت‌های اعتباری شما و هم چنین فهرست مخاطباتان را سرقت کنند.

گزارش‌های اخیر نشان می‌دهند که بدافزارهای رایج این روزها، اپلیکیشن پیامک‌ها پتراسی پولی برای دزدیدن پول کاربران هستند. یکی دیگر از روش‌هایی که این بدافزارها می‌توانند به کاربر صدمه بزنند ضبط مکالمات تلفنی کاربر و ارسال آن‌ها به یک هکر خرابکار است.

چگونه بدافزارها به دستگاه‌های اندرویدی راه پیدا می‌کنند
شیوه ورود بدافزارها به داخل دستگاه اندرویدی کاربر را مسیر حمله می‌گویند. این مسیر می‌تواند دالندوی یک نرم‌افزار غیرامن از گوگل پلی یا زده‌پدیده شدن گوشی موبایل باشد. اما رایج‌ترین راه نفوذ بدافزار به وسیله شما از طریق «مهندسی اجتماعی» است. به عبارت ساده‌تر، فریب دادن شما ساده‌ترین راه است.

برای هر اپلیکیشن معروف و اصلی، چند اپلیکیشن با نام تقریباً مشابه ساخته می‌شود تا کاربرانی که هنگام دالندوی نرم‌افزار دقت کافی ندارند، گول بخورند و نرم‌افزار مخرب را به جای نسخه اصلی دالندوی گوشی یا تبلت خود نصب کنند.

البته منظور این نیست که همه این نرم‌افزارها می‌توانند خطرناک و مخرب باشند اما بهتر است این گونه نرم‌افزارها دوری کنید. شاید بتوان گفت بزرگ‌ترین مزیت سیاست بسته و محدود ابل این است که نرم‌افزارهای موجود در فروشگاه اینترنتی iOS، مشکلات چند نسخه‌ای بودن را ندارند. حتی اگر اپلیکیشن‌های اندرویدی هنگام نصب از کاربر اجازه‌نامه تقاضا کنند هم این مرحله از امنیت چندان کاربردی نیست و به نوعی می‌توان گفت زیادی هم هست.

زیرا بیش‌تر اپلیکیشن‌ها – حتی نرم‌افزارهای خوب و سالم – همیشه چندین اجازه‌نامه از کاربر می‌خواهند و چه کسی زمان آن را دارد که تمام اپلیکیشن‌ها را ارزیابی کند تا میبادا مشکل امنیتی داشته باشد؟ تقریباً بهترین روش برای امنیت بیش‌تر این است که مطمئن شوید برنامه‌ای که دالندوی کرده‌اید نسخه کبی شده خطرناک نیست و نسخه اصلی است.

ترفندهای ساده برای محافظت از امنیت موبایل
نخستین روش دفاع در هر کدام از شیوه‌نامه‌های امنیت سایبری، اصلاح رفتار خودمان است. به‌طور مثال، تا حد امکان اطلاعات شخصی بسیار کم و محدودی را در موبایل‌ها و تنظیمات گوشی استفاده کنید. پنهان و رمزدار کردن همه خود را در فایل‌های بدون رمز نگه ندارید.

هم چنین، هنگامی که مرورگر سیستم از شما می‌خواهد تا رمزعبور را برای تان ذخیره کند یا خیر، شما همیشه گزینه خیر را انتخاب کنید. به جای آن می‌توانید از راحل امن تری همچون LastPass استفاده کنید.

اندروید راه‌های فیزیکی مختلفی برای نیز محدود کردن دسترسی‌ها دارد. به‌طور مثال، می‌توانید میمان گزینه‌های Screen Lock در بخش امنیت را قفل نمائید. تنظیمات گوشی جست‌وجو کنید. به این قسمت می‌توانید برای گوشی خود پین کد، رمزعبور یا یک الگو (Pattern) تعریف کنید تا هر کسی دسترسی به دالته گوشی نداشته باشد.

البته این‌ها هم در نظر داشته باشید که فردی که نتواند به راحتی وارد برنامه‌های گوشی بشود، ممکن است از طریق یواس‌بی به اطلاعات آن دسترسی پیدا کند. برای دفاع در برابر چنین نفوذهی، از گزینه رمزگذاری داخلی برای رمزدار کردن همه اطلاعات و تنظیمات گوشی استفاده کنید. پنهان و رمزدار کردن همه قسمت‌های گوشی حدود یک ساعتی زمان نیاز دارد، پس باید از شارژ بودن باتری گوشی اطمینان حاصل کنید یا آن را به برق بزنید که همه کارها با موفقیت انجام شوند.

شما هم چنین باید حواس‌تان جامع باشد که چه نرم‌افزاری را از گوگل پلی دالندوی می‌کنید. همان‌طور که پیش از این‌ نیز گفتیم، مراقب اپلیکیشن‌های مخرب باشید که کپی و مشابه نسخه‌های اصلی اپلیکیشن‌ها هستند. برای محافظت در برابر این تهدیدها، شرکت سیمانتک – بزرگ‌ترین شرکت تولیدکننده نرم‌افزارهای امنیتی – یک ارزیابی از تعداد نرم‌افزارهای آلوده به بدافزار موجود در گوگل پلی عرضه کرده است.

براساس این آمار، از میان ۱۲۰۰۰۷۲ اپلیکیشن سرگرمی موجود در گوگل پلی، فقط دو اپلیکیشن مخرب با بدافزار وجود داشت. مودی که در اینجا باید به آن توجه داشته باشید، فعال کردن گزینه «منابع ناشناخته» در تنظیمات امنیت است که به شما اجازه می‌دهد هر فایل APK را دالندوی نصب کنید.

شما باید همیشه دستگاه خود را با جدیدترین آپدیت سخت‌افزار به روز نگهدارید.

پیشنهادهای استفاده از ضدبدافزار
تقریباً همه پیشگویی‌های ذکر شده در بالا، امنیت شما را در برابر تهدیدات بدافزارها و برنامه‌های مخرب حفظ می‌کنند. اما اگر همچنان تمایل دارید که خیالتان از حساسی از امنیت گوشی‌ جمع باشد، می‌توانید اپلیکیشن ضدبدافزار روی وسیله خود نصب کنید. به این ترتیب، احتمال آلوده شدن گوشی به فایل‌های مخرب بسیار کاهش پیدا می‌کند.

در بررسی جدید سایت av-test.org نشان می‌دهد، آنتی ویروس‌ها و ضد بدافزارهای زیر بیش از ۹۰ درصد در دفاع از ابزارها در برابر تهدیدات اینترنتی موفق بوده‌اند.

•avast!Mobile Security
•LookoutSecurity & Antivirus
•Dr Web Anti-virus
•F-Secure Mobile Security
•IKARUS mobile security
•Kaspersky Mobile Security
•Zoner AntiVirus
•McAfee Antivirus & Security
•MYAndroidProtection Antivirus
•NQ Mobile Security & Antivirus

مدیریت وسایل گم شده

اگر به‌طور ناخواسته وسیله شما گم شد، سرویس‌هایی وجود دارند که می‌توانند آن را برای شما ردیابی کنند. بنابراین می‌توانید مکان دستگاه گم شده را پیدا کنید. این گونه سرویس‌ها به کاربر اجازه می‌دهند تا گوشی خود را از راه دور قفل کند یا همه اطلاعات موجود در آن را پاک کند. سرویس‌هایی همچون Lookout و Track&Protect برای این منظور مناسب هستند. البته این سرویس‌ها همگی پولی هستند، اما اگر می‌خواهید دستگاه خود را به‌صورت رایگان ردیابی کنید، سرویس Where’s my Droid را آزمایش کنید.

امنیت شبکه

برای حفظ امنیت خود باید به شبکه اینترنت خود نیز فکر کنید. اگر به فایروال نیاز دارید، DroidWall، یکی از بهترین گزینه‌ها می‌تواند باشد. از آنجایی که فایروال‌ها، زیادی مت‌به خش‌خاش می‌گذارند، روتر وایفای خانه و هم چنین شبکه موبایل از سیاست‌های امنیتی شبیه فایروال استفاده می‌کنند. شبکه‌های خصوصی میزای (VPN) به شما اجازه می‌دهند تا همه ارتباطات خود را رمزنگاری کنید؛ البته اگر شما از وایفای‌های ناشناخته یا حتی بدتر از آن، از هات‌اسپات‌های رمزگذاری نشده استفاده کنید، عملاً استفاده از وی‌بی‌ان کاری بی‌ارزش است.

نگاه‌سازمان تجارت جهانی(WTO) به شرق



جهانی شدن دارد. در نوامبر ۱۹۹۹ و در زمان برگزاری نشست سالانه نمایندگان سازمان تجارت جهانی در سیتاتل آمریکا،تظاهرکنندگان خواستار تضمینی شدند که توسط آن جهانی‌سازی نه در جهت تأمین منافع عده‌ای معدود که برای همه مردم دنیا برنامه‌ریزی شود، این بیم و احساس نامنی، نه تنها در مردم عادی، بلکه در چهره سیاستمداران کشورهای جهان سوم در حال توسعه نیز به نحوی دیده می‌شود، به‌طوری که نازیان نماینده هند در WTO می‌گویند: بزرگ‌ترین وجه مبارزه این است که مطمئن شویم WTO با سیاستی قانون‌مدار و نه قدرت‌مدار اداره می‌شود.

«سسته اول جهانی شدن را در مفهوم عام آن عنوان می‌کنند و به در هم ادغام شدن بازارهای جهانی، توسعه تجارت، سرما به‌گذاری‌های مستقیم، جابه‌جایی و انتقال سرمایه، گاستن قدرت دولت‌ها و شکافته شدن مرزهای ملی اشاره دارند؛ دسته دوم، جهانی شدن را اوج پیروزی سرمایه‌داری جهانی عنوان می‌کنند. به اعتقاد این دسته، جهانی شدن، یعنی سلطه‌پذیری و امپریالیسم‌پروری، که با الگوی آمریکایی همخوانی دارد اما دیدگاه سوم، رقابت بی‌قید و شرط در جهان را توسعه می‌بخشد که تروتمند را داترستر و فقیر را بی‌چیزتر می‌کند و رتبه آخر را برای بازار کار و نیروی کار می‌بیند؛

دسته چهارم بر تقسیم عادلانه اهرم‌های کسب ثروت تکیه دارد و دسته پنجم به رشد بازارهای مالی جهان، فروپاشی نظام‌های سلطه‌گر و سر فرود نیابورن دول ضعیف، بین‌المللی شدن دغدغه‌های بشری و موانع و تنظیمات توسعه‌گرفته‌های جهانی شدن محیط‌زیست، کاهش هزینه‌های هتگفت نظامی و بسط جغرافیای اقتصادی و نه سیاسی، انقلاب تکنولوژیکی اطلاعات و ترابری و ارتباطات و تقسیم کار واریه خدمات اشاره می‌کند»

نقطه اوج تحقق ارمان‌های کشورهای حامی جهانی‌سازی و جهانی شدن را باید در سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم دانست که سرسرایم پس از عبور از مشکلات فراوان، در سایه قرارداد «گات» و در نشستی در کشور مراکش (۱۵ آوریل ۱۹۹۵) موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت جهانی (General Agreement on Tariffand Trade) تصویب گردید که کشورها موافقت خود را با تشکیل (WTO) اعلام داشتند. از همین‌رو در مفاد اول اساسنامه، می‌توان به اهدافی چون: بالا بردن سطح زندگی شهروندان، فراهم آوردن امکانات اشتغال، افزایش مستمر درآمدها، بهبودبسترهای کامل از منابع جهانی و افزایش مبادلات و بهبود بخشیدن نظام تجاری می‌فابین اشاره کرد. آیا این اهداف محقق گردید؟ آیا سازمان تجارت جهانی توانست به تعهدات خود وفادار بماند؟ این سؤال مطرح است که گسترش تجارت و حرکت به سمت جهانی شدن، فرصت است یا تهدید؟ گفته می‌شود مراقبت بهداشتی و تغذیه همگانی سالانه ۱۱ میلیارد دلار هزینه دارد، حال آن که در اروپا و آمریکا بیش از ۱۷ میلیارد دلار خرج غذای حیوانات می‌شود. سالانه می‌توان با ۶ میلیارد دلار، آموزش پایه همگانی را در سطح جهانی هدایت کرد، در حالی که فقط در آمریکا سالانه ۸ میلیارد دلار صرف خرید لوازم آرایش می‌شود.

بر همین اساس باید برآورد شده است تأسیسات آب و فاضلاب همگانی با بودجه معادل ۹ میلیارد دلار بهینه می‌شود، در صورتی که در اروپا سالانه ۱۱ میلیارد دلار خرج بستنی می‌شود».

روایت قانون، از اندیشمندان معاصر، در این خصوص می‌گوید: آشکار است که در توزیع جهانی ثروت، ایرادی وجود دارد. وقوع راضیانی‌ها و تظاهرات گسترده در غرب و شرق، حکایت از وجود نوعی هراس از آینده

شفاف‌سازی مناقصات: نیاز اساسی حمایت از سرمایه و کار ابرانی

مناقصه

ramin.a.shahi@gmail.com

چرتکه

سؤالات مطرح

در فاز دوم هدفمندی یار اندها



دولت به بخش اول تمهیدهای خود یعنی پرداخت یارانه نقدی به مصرف‌کنندگان خانگی حامل‌های انرژی (برق و بنزین) عمل کرده، اما در مورد تولید، علی‌رغم اهمیت و حساسیت این بخش، باید اذعان نمود که شرایط حاضر به هیچ‌وجه با سیاست‌های اتخاذ شده و الزامات خاص آن هم‌خوانی را ندارند. این روزهای بیش از دو سال است که از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها می‌گذرد. بررسی و ارزیابی چگونگی اجرای قانونی که از مدت‌ها پیش به عنوان یکی از لوازم اساسی تحول در اقتصاد ایران از آن نام برده شده، می‌تواند اشکالات احتمالی این طرح مهم را برطرف و زمینه را برای اجرای بهتر سایر محورهای پیش‌بینی شده در طرح تحول اقتصادی فراهم آورد. به‌خصوص در شرایطی که دولت و مجلس صحبت از تجدیدنظرهای اساسی در سیاست‌گذاری نموده و نحوه اجرای طرح در آستانه سال دوم را مدنظر قرار داده‌اند.

مهم‌ترین نکاتی که از اجرای طرح هدفمندی استنباط و در واقع نقطه قوت آن محسوب می‌شود، رویکرد عدالت محوری است که آن را از سایر طرح‌های اقتصادی معمول که صرفاً رشد کلی اقتصاد را هدف می‌گیرند، متمایز می‌سازد. برخلاف اقتصاد لیبرالیستی که منافع سرمایه‌داران را اصل قرار می‌دهد، مهم‌ترین هدف اقتصاد اسلامی برقراری عدالت اقتصادی بین آحاد جامعه است. البته باید توجه نمود که برای اقتصاد مطلوب ما این آغاز راه است و تا رسیدن به الگوی کامل اقتصاد اسلامی راهی بس طولانی در پیش است. برای ارزیابی طرح هدفمندی، اولین سؤال این است که اجرای آن در چه زمینه‌هایی موفق و در کدامین عرصه‌ها ناموفق بوده است؟ و این که اقدام‌های اجرایی تا چه اندازه اهداف قانون مصوب مجلس منطق بوده و مقاصد قانون‌گذار را پوشش داده است؟

سایر سؤال‌های قابل طرح در این رابطه را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

- ۱- چه افشاری از طرح‌رایی و چه افشاری تاریخی هستند؟
- ۲- آیا شاخص‌های عدالت اجتماعی، به عنوان یک موضوع ارزشی با اجرای این قانون افزایش یافته‌است؟
- ۳- چه محصولاتی متأثر از اجرای قانون دچار آسیب قیمتی و یا تولیدی شده‌اند؟
- ۴- پیامدها و تأثیرات اجرای طرح در اقتصاد ملی چیست و آیا در راستای جهاد اقتصادی قابل تعریف است؟
- ۵- عملکرد اجرای طرح، با توجه به پیش‌بینی‌ها و پیش‌فرض‌های مطرح شده، چه بوده است؟
- ۶- مشکلات اجرایی پیش‌روی طرح یا حال چه بوده و چرا هکارهایی برای آینده قابل طرح می‌باشد؟

اگر توجه کنیم علاوه بر متن قانون که قوه مجریه خود مجری آن است، چند ذی‌نفع و یا مخاطب دیگر نیز دارد. اول، عموم مردم به عنوان مصرف‌کنندگان انرژی و سایر کالاهای مشمول دریافت یارانه که لازم است سطح قدرت خرید و یا مصرف آنان تا حد امکان لطمه‌ای نبیند. دوم، تولیدکنندگان، اعم از تولیدکنندگان فعال در بخش‌های: صنعت، معدن، انرژی و کشاورزی که باید شرایط لازم برای ادامه و استمرار تولید آنان با توجه به افزایش قیمت مواد اولیه ناشی از اجرای طرح فراهم آید و سوم، خود دولت، به عنوان عامل اجرایی که باید زمینه‌ساز و پل‌ساز لازم برای اجرای هرچه بهتر قانون را فراهم آورد. در قانون سهیم هر یک از مخاطبان یادشده از منابع حاصل از اجرای قانون در نظر گرفته شده است.

آنچه مسلم است این که دولت به بخش اول تمهیدهای خود یعنی پرداخت یارانه نقدی به مصرف‌کنندگان خانگی حامل‌های انرژی (برنزین) عمل کرده و حتی از سهم ۲۰ درصدی خود به نفع این قشر از جامعه عدول کرده است. اما در مورد تولید، علی‌رغم اهمیت و حساسیت این بخش، باید اذعان نمود که شرایط حاضر به هیچ‌وجه با سیاست‌های اتخاذ شده و الزامات خاص آن (شرایط نرمی از یک طرف و افزایشات جهاد اقتصادی از سوی دیگر) هم‌خوانی لازم را ندارند. براساس داده ۸۰هشتاد هدفمند کردن ارزانه‌ها، دولت مکتف است ۲۰ درصد کل خالص در آمد حاصل از هدفمندی ر بازارها را سه بخش تولید اختصاص دهد که این مبلغ تا کنون از محل درآمدهای ناشی از افزایش قیمت حامل‌های انرژی و کالاهای اساسی قیمت شده است. هم چنین از سهم ۲۰ درصدی اختصاص یافته به تولید که به موجب جزو ائت) ۲۲ درصد قانون بودجه سال ۱۳۹۰ به ۱۶ درصد کاهش یافته نیز گزارش دقیقی ارائه شده است. با این حساب باید گفت که دلیل محدودیت منابع، تمیزی از قانون اجرا نشده، یعنی ۵۰ درصد سهمی که مرتبط با مصرف‌کنندگان خانگی است، زیرا از یک طرف از سهم ۲۰ درصدی دولت به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید، به نفع سهمیه خود صرف نظر شده و از سوی دیگر سهمیه ۲۰ درصدی تولید نیز تقریباً از قم افتاده است. در حالی که بخش تولید، به‌صصوص تولید بخش کشاورزی که به دلیل زادآوری ذاتی و ارزش افزوده خدادادی رفته در آن، از بخش‌های واقعی و پشیران توسعه اقتصادی بوده و تولیدات این بخش‌ها، وابستگی کالبی به مواد اولیه آن دارد، مشمول حمایت لازم نرگرفته است. اما در حالی است که گراندان، کمترین سهم به دلیل داشتن نقش حیاتی در تأمین غذا از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد هر کشور محسوب می‌شود. برخی از محصولات تولیدی این بخش از جمله کالاهای اهردی به شمار می‌آیند که نقش بسیار مهمی در اشتغال اقتصادی و سیاسی ایفا می‌کنند. از این رو در تمامی کشورها سیاست‌هایی با اهداف، حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی، بهبود توزیع درآمدها، افزایش رفاه عمومی، کمک به تخصیص منابع تولید،

